

LESSON 1

1. Abandon

/ə'bəndən/

v.

2. keen

/ki:n/

adj.

3. jealous

/'dʒeləs/

adj.

این اثر متعلق به "استاد امیر رضایی" میباشد. تمام
وویس ها و کالوکیشن ها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی به ثبت رسیده است. هرگونه کپی برداری و نشر این
مجموعه شرعا حرام بوده و پیگرد قانونی دارد.

4. tact

/tækt/

n.

www.amirrezaeeeeeee.com

Instagram: amirrezaeeeeeee

5. oath

/oʊθ/

n.

6. vacant

/'veɪkənt/

adj.

7. hardship

/ˈhɑːrdʃɪp/

adj.

8. gallant

/ˈgælənt/

adj.

9. data

/ˈdeɪtə/

n.

10. unaccustomed این اثر متعلق به "استاد امیر رضایی"

وویس ها و کالوکیشن ها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی به ثبت رسیده است. هرگونه کپی برداری و نشر این
مجموعه شرعا حرام بوده و پیگرد قانونی دارد.

adj.

11. bachelor www.amirrezaeeteeeee.com

/ˈbætʃələ/ **Instagram: amirrezaeeteeeee**

n.

12. qualify

/ˈkwɒlɪfaɪ/

v.

1. abandon band ترک کردن گروه

2. keen king پادشاه تیزهوش

3. **jealous** gymnast ژیمناستیک کار حسود
4. act with **tact** کاری همراه با تدبیر
5. false **oath** قسم دروغ
6. **vacant** seat جای خالی
7. work **hardship** سختی کار
8. **gallant** Gulliver گالیور شجاع
9. **data** bank بانک اطلاعاتی
10. **unaccustomed** atmosphere جو نامانوس
11. **bachelor** party مهمانی مجردی
12. **Qualify** for California واجد شرایط بودن برای کالیفرنیا

My Brother, the Gentleman

این اثر متعلق به "استاد امیر رضایی" است.

وویس ها و کالوکیشن ها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به ثبت رسیده است. هرگونه کپی برداری و نشر این مجموعه سرعا حرام بوده و پیگرد قانونی دارد.

The story of Sir Walter Raleigh, who spread his cloak on the ground to keep Queen Elizabeth from the **hardship** of crossing a muddy puddle, can **qualify** that nobleman for an award as a man of **tact** and good breeding. My brother Kenny, a **bachelor** with a **keen** interest in history, was impressed by that anecdote and thought he might demonstrate his excellent upbringing in a parallel situation. Accordingly, he decided to **abandon** his subway seat in favor of a woman standing nearby. Although **unaccustomed** to such generous treatment, the young woman was pleased to accept Kenny's kind offer. However, her **jealous** boyfriend swore an **oath** under his breath because he thought my brother was flirting with his girlfriend. I don't have any **data** on the number of young men who get into similar trouble as a result of a

gallant gesture, but it's probably one in a thousand. Poor Kenny! He pointed to the now **vacant** seat.

۱. برادر، مردی شرافتمند و مؤدب

در داستانی که «سِر والتر رالی» شنش را بر روی زمین گستراند تا ملکه الیزابت را از **سختی** عبور کردن از گودال گل آلود برهاند، آن نجیب‌زاده را به‌عنوان مردی باتدبیر و با اصالت خانوادگی، **شایسته** تحسین می‌کند. برادر **«کنی»** مردی **مجرد** با **علاقه شدید** به تاریخ، تحت تأثیر آن حکایت قرار گرفت و به این فکر افتاد که او نیز می‌تواند تربیت والای خود را در شرایطی مشابه نشان دهد؛ بنابراین تصمیم گرفت در مترو جای خود را به بانویی بدهد که در نزدیکی‌اش ایستاده بود. گرچه آن بانوی جوان با چنین رفتار سخاوتمندانه‌ای **نامأنوس** بود، با خوشحالی پیشنهاد «کنی» را قبول کرد، اما معشوقه **حسود** آن بانوی جوان زیر لب **فحشی** داد؛ زیرا خیال می‌کرد برادرش در حال **گپ زدن** با اوست. من هیچ **اطلاعاتی** درباره تعداد مردان جوانی ندارم که در نتیجه چنین رفتار **شجاعانه‌ای** دچار دردسری مشابه می‌شوند، اما احتمال آن یک در هزار است. بیچاره «کنی» او در این لحظه به **صندلی خالی** اشاره کرد.

LESSON 2

www.amirrezaeetttttt.com

Instagram: amirrezaeetttttt

1. corpse

/kɔ:ps/

n.

2. conceal

/kən'si:l/

v.

3. dismal

/ˈdɪzməl/

adj.

4. frigid

/ˈfrɪdʒəd/

adj.

5. inhabit

/ɪnˈhæbɪt/

v.

6. numb

/nʌm/

adj.

7. peril

/ˈperɪl/

n.

8. recline

/rɪˈklaɪn/

v.

9. shriek

/ʃri:k/

n.

این اثر متعلق به "استاد امیر رضایی" میباشد. تمام
وویس ها و کالوکیشن ها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی به ثبت رسیده است. هرگونه کپی برداری و نشر این
مجموعه شرعا حرام بوده و پیگرد قانونی دارد.

www.amirrezaeeeeeee.com

Instagram: amirrezaeeeeeee

10. sinister

/'sɪnɪstər/

adj.

11. tempt

/tempt/

v.

12. wager

/'weɪdʒər/

v.

این اثر متعلق به "استاد امیر رضایی" میباشد. تمام
وویس ها و کالوکیشن ها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی به ثبت رسیده است. هرگونه کپی برداری و نشر این
مجموعه شرعا حرام بوده و پیگرد قانونی دارد.

1. cold corpse جسد سرد
2. conceal money پنهان کردن پول
3. dismal evening غروب دلگیر
4. frigid meat گوشت یخ زده
5. inhabit in Tehran ساکن بودن در تهران
6. numb fingers انگشتان بی حس
7. death peril خطر مرگ
8. recline on sofa لم دادن روی مبل
9. loud shriek جیغ بلند
10. sinister doll عروسک شیطانی
11. tempt teens وسوسه کردن نوجوانان
12. wager on horse شرط بندی کردن روی اسب

Terror in the Cemetery

I like to bet on anything that is exciting, so when *my* friends tried to **tempt** me with an offer, I took it. The idea was for me to spend a **frigid** December night in a cemetery, all alone, in order to win twenty dollars. Little did I realize that they would use dirty tricks to try to frighten me into abandoning the cemetery, therefore losing my **wager**. My plan was to **recline** in front of a large grave, covered by a warm blanket, with a flashlight to help me cut through the **dismal** darkness. After midnight, I heard a wild **shriek**. I thought I saw the grave open and a **corpse** rise out of it! Although I was somewhat **numb** with fear, I tried to keep my senses. Using good judgment, I knew that no **peril** could come to me from that **sinister** figure. When I did not run in terror, my friends, who had decided to **conceal** themselves behind the nearby tombstones, came out and we all had a good laugh. Those spirits that may **inhabit** a cemetery must have had a good laugh, too.

وحشت در قبرستان

من شرط بندی بر روی هر چیز هیجان انگیزی را دوست دارم؛ بنابراین وقتی دوستانم سعی کردند من را با پیشنهادی **وسوسه** کنند، آن را پذیرفتم. برنامه از این قرار بود که در ازای بیست دلار، شبی **سرد** در ماه دسامبر را به تنهایی در قبرستان بگذرانم. کمی بعد متوجه شدم که آن‌ها حقه‌های کثیفی را برای ترساندن من و مجبور کردنم به فرار از قبرستان در سر دارند تا بدین ترتیب من **شرط** را ببازم. برنامه من چنین بود که در مقابل قبری بزرگ در حالی که با پتویی گرم خود را پوشانده بودم همراه با چراغ قوه‌ای دراز **بکشم** که به من کمک می‌کرد در تاریکی شب حرکت کنم. بعد از نیمه‌شب، **جیغ** ترسناکی شنیدم. خیال کردم قبری

گشوده شد و جسدی از آن بیرون آمد. به رغم آنکه از ترس تا حدی بی‌حس شده بودم، سعی می‌کردم آرامش خود را حفظ کنم. با استفاده از منطق می‌دانستم هیچ خطری از طرف آن شبه شوم من را تهدید نمی‌کند. من نترسیدم و دوستانم که خود را پشت سنگ قبری نزدیک پنهان کرده بودند، بیرون آمدند و همه از ته دل خندیدیم. ارواحی که در قبرستان زندگی می‌کردند نیز احتمالاً خنده‌ای از ته دل سر دادند.

LESSON 3

1. typical

/ˈtɪpɪkəl/

adj.

2. minimum

/ˈmɪnɪməm/

adj

این اثر متعلق به "استاد امیر رضایی" میباشد. تمام وویس‌ها و کالوکیشن‌ها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به ثبت رسیده است. هرگونه کپی برداری و نشر این مجموعه شرعاً حرام بوده و پیگرد قانونی دارد.

3. scarce

/skers/

adj.

4. annual

/ˈænjuəl/

adj.

5. persuade

/pərˈsweɪd/

www.amirrezaeetttttt.com
Instagram: amirrezaeetttttt

v.

6. essential

/ɪ'senʃəl/

adj.

7. blend

/blend/

v.

8. visible

/'vɪzɪbəl/

adj.

9. expensive

/ɪk'spensɪv/

adj.

10. talent

/'tælənt/

n.

11. devise

/dɪ'vaɪz/

v.

12. wholesale

این اثر متعلق به "استاد امیر رضایی" میباشد. تمام
وویس ها و کالوکیشن ها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی به ثبت رسیده است. هرگونه کپی برداری و نشر این
مجموعه شرعا حرام بوده و پیگرد قانونی دارد.

www.amirrezaeeeeeee.com
Instagram: amirrezaeeeeeee

/ˈhoʊlseɪl/

adj.

1. **typical** type تیپ عادی
2. **minimum** mark حداقل نمره
3. **scarce** scanner اسکنر کمیاب
4. **annual** antibiotic پادزهر سالیانه
5. **persuade** princess متقاعد کردن ملکه
6. **essential** words لغات ضروری
7. **blend** black & white ترکیب کردن سیاه و سفید
8. **visible** visa ویزای قابل رویت
9. **expensive** exam این اثر متعلق به "آزمون گران قیمت" این اثر متعلق به "آزمون گران قیمت" است. هرگونه کپی برداری و نشر این
10. **music talent** استعداد موسیقی
11. **devise** DVD مجموعه اختراع کردن دی وی دی
12. **wholesale** price قیمت عمده

www.amirrezaeetee.com

An Unusual Strike

Instagram: amirrezaeetee

The baseball strike of 1994-95, which kept the public from seeing the **annual** World Series, was not a **typical** labor dispute in which low-paid workers try to **persuade** their employers to grant a raise above their **minimum** wage. On the contrary, players who earned millions of dollars yearly, who were **visible** on TV commercials, drove **expensive** autos, and dined with presidents, withheld their **essential** skills until the executive, legislative, and judicial branches of our government were forced to **devise** solutions to the quarrel. The team owners, a **blend** of

lawyers, manufacturers, corporate executives, etc., felt that something had to be done about the huge salaries that the players were demanding. Since the **talent** beyond the major leagues was **scarce**, they had to start spring training in 1995 with a **wholesale** invitation to replacement players. The regular athletes returned in late April but there was a feeling that the strike could happen again.

اعتصابی عجیب

اعتصاب بیس بال در سال‌های ۹۵-۱۹۹۴ که مردم را از دیدن مسابقات جهانی سالیانه محروم کرد، یک مشاجره معمول کارگری نبود که در آن کارگران کم‌حقوق سعی در متقاعد کردن کارفرمایانشان دارند تا مبلغی به حداقل دستمزد آن‌ها اضافه کنند؛ برعکس، بازیکنانی که سالیانه میلیون‌ها دلار پول به دست می‌آوردند، در تبلیغات تلویزیونی حضور داشتند، خودروهای گران‌قیمت می‌رانند و با رؤسای جمهور شام می‌خوردند مهارت‌های اصلی خود را دریغ می‌کردند تا این که قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضاییه دولتمان مجبور شدند چاره‌ای برای مشاجره مذکور بیندیشند. مالکان تیم، ترکیبی از وکلا، تولیدکنندگان، مدیران اجرایی و... بودند. مالکان تیم احساس کردند که برای حقوق نجومی‌ای که بازیکنان مطالبه می‌کردند، باید کاری انجام شود به دلیل این که بازیکنان با استعداد در آن سوی لیگ برتر انگشت شمار بودند. مالکان تیم در سال ۱۹۹۵ مجبور به شروع آموزش بهاره همراه با دعوتی همگانی به منظور جایگزینی بازیکنان شدند. ورزشکاران ثابت در اواخر ماه آوریل برگشتند، اما احساسی وجود داشت مبنی بر این که اعتصاب می‌تواند دوباره رخ دهد.

LESSON 4

1. vapour

/ˈveɪpər/

n.

2. eliminate

/ɪˈlɪmɪneɪt/

v.

3. villain

/ˈvɪlən/

n.

4. dense

/dens/

adj.

5. utilize

/ˈjuːtəlaɪz/

v.

6. humid

/ˈhjuːmɪd/

adj.

7. theory

/ˈθɪəri/

n.

این اثر متعلق به "استاد امیر رضایی" میباشد. تمام
وویس ها و کالوکیشن ها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی به ثبت رسیده است. هرگونه کپی برداری و نشر این
مجموعه شرعا حرام بوده و پیگرد قانونی دارد.

www.amirrezaeeteeeee.com

Instagram: amirrezaeeteeeee

8. descend

/dɪ'send/

v.

9. circulate

/'sɜːrkjələɪt/

v.

10. enormous

/ɪ'nɔːrməs/

adj.

11. predict

/prɪ'dɪkt/

v.

12. vanish

/'vænɪʃ/

v.

این اثر متعلق به "استاد امیر رضایی" میباشد. تمام
وویس ها و کالوکیشن ها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی به ثبت رسیده است. هرگونه کپی برداری و نشر این
مجموعه شرعا حرام بوده و پیگرد قانونی دارد.

www.amirrezaeeeeeee.com

Instagram: amirrezaeeeeeee

1. water vapour بخار آب

2. eliminate enemy از بین بردن دشمن

3. village villain تبه کار دهکده

4. dense forest جنگل انبوه

5. **utilize** time استفاده کردن از وقت
6. **humid** air هوای مرطوب
7. Einstein's **theory** نظریه انیشتین
8. **descend** stairs پایین آمدن از پله
9. circles **circulate** دایره ها میچرخند
10. **enormous** mouse موش غول پیکر
11. **predict** weather پیش بینی کردن هوا
12. **vanish** in horizon محو شدن در افق

A Fan in the Air

Fog, tiny droplets of water **vapor**, is the **villain** of the airports. In an effort to **eliminate** **dense** fog from airports, weathermen **utilize** giant fans, nylon strings, and chemicals dropped from planes or shot upwards from strange machines on the ground. Nothing works as well, though, as a new weapon in the fight against fog: the helicopter. Researchers believe that if warm dry air above the fog could somehow be driven down into the **humid** blanket of fog, the droplets would evaporate, thus clearing the air. In a recent experiment to test their **theory** the researchers had a helicopter **descend** into the fog above barely visible* Smith Mountain Airport near Roanoke, Virginia. The blades of the helicopter caused the air to **circulate** downwards and an **enormous** hole in the clouds opened above the airport. Weathermen **predict** that with larger, more expensive* helicopters they will be able to make the thickest fog **vanish**.

مه، قطرات کوچک بخار آب، کابوس فرودگاه‌هاست. در تلاشی به‌منظور از بین بردن انبوه مه از فرودگاه‌ها، هواشناسان از پنکه‌ای غول‌پیکر، نخ‌های پلاستیکی و مواد شیمیایی استفاده می‌کنند که از هواپیماها بر روی زمین می‌افتد یا از شلیک به سمت بالا از طریق ماشین‌های عجیب و غریبی که بر روی زمین قرار دارند. هیچ‌یک در مقابله با مه به‌اندازهٔ صلاح جدید یعنی هلوپتر مؤثر نیست. محققان بر این باورند که اگر هوای خشک و گرم در بالای مه به طریقی بتواند به محدودهٔ مرطوب مه وارد شود، قطرات آب تبخیر خواهند شد؛ بنابراین پاک‌سازی هوا صورت می‌گیرد. در تحقیقات اخیر برای امتحان کردن نظریه‌شان، محققان هلوپتری را به درون فرودگاه «اسمیت ماونتین» فرستادند که در نزدیکی «روناک» در ویرجینیا قرار داشت. پره‌های هلوپتر باعث شد تا هوا به سمت پایین به چرخش درآید و حفره‌ای عظیم در میان ابرها در بالای فرودگاه باز شود. هواشناسان پیش‌بینی می‌کنند که به‌وسیلهٔ هلوپترهای بزرگ‌تر و گران‌تر قادر خواهند بود ضخیم‌ترین مه را نیز ناپدید کنند.

این اثر متعلق به "استاد امیر رضایی" میباشد. تمام

وویس ها و کالوکیشن ها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی به ثبت رسیده است. هرگونه کپی برداری و نشر این

مجموعه شرعا حرام بوده و پیگرد قانونی دارد.

LESSON 5

www.amirrezaeetee.com

Instagram: amirrezaeetee

1. tradition

/trə'dɪʃən/

n.

2. rural

/'rʊərəl/

adj.

3. burden

/'bɜːrdn/

n.

4. campus

/ˈkæmpəs/

n.

5. majority

/məˈdʒɒrəti/

n.

6. assemble

/əˈsembəl/

v.

7. explore

/ɪkˈsplɔːr/

v.

8. topic

/ˈtɒpɪk/

n.

9. debate

/dɪˈbeɪt/

n.

10. evade

این اثر متعلق به "استاد امیر رضایی" میباشد. تمام
وویس ها و کالوکیشن ها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی به ثبت رسیده است. هرگونه کپی برداری و نشر این
مجموعه شرعا حرام بوده و پیگرد قانونی دارد.

www.amirrezaeaaaaa.com

Instagram: amirrezaeaaaaa

/I'veid/

v.

11.probe

/proʊb/

v.

12.reform

/ri'fɔ:rm/

v.

- این اثر متعلق به "استاد امیر رضایی" میباشد. تمام
وویس ها و کالوکیشن ها توسط روش های نوین و روش های نوین
اسلامی به ثبت رسیده است. هرگونه کپی دلی و نوشتن
مجموعه شرعا حرام بوده و پیگرد قانونی دارد.
1. Iranian traditions **رسوم ایرانی**
 2. rural rules **قوانین روستایی**
 3. brain burden **بار ذهنی**
 4. campus map **نقشه محوطه دانشگاه**
 5. majority of people **اکثریت مردم**
 6. assemble samples **جمع کردن نمونه ها**
 7. explore on the Internet **جستجو کردن در اینترنت**
 8. top topic **بهترین موضوع**
 9. scientific debate **بحث علمی**
 10. evade police **فرار کردن از پلیس**
 11. probe profile **بررسی کردن پروفایل**
 12. reform reference **اصلاح کردن مرجع**

Shape Up at Shaker

Each summer at the Shaker Work Group, a special school in **rural** Pittsfield, Massachusetts, where teenagers learn by working, it has been a **tradition** to have the teenagers take on the **burden** of setting their own rules and living by them. Although there are some adults on the **campus**, teenagers are a **majority**. One summer the group **assembled to explore** the **topic** of lights-out time. There was little **debate** until 10:30 P.M. was suggested. Why? Everyone at the Shaker Work Group works a minimum* of several hours each morning on one project and several hours each afternoon on another. Since everyone has to get up early, no one wanted to stay up later at night anyway. Few teenagers at the Shaker Work Group try to **evade** the rules. When one does, the entire group meets to **probe** the reasons for the "villain's"* actions. Their aim is to **reform** the rule breaker. However, at Shaker Village, the theory* is that teenagers who are busy working will have no time to break rules.

حالت گیری در «شیکر»

هر تابستان در گروه عملیاتی «شیکر» که مدرسه‌ای خاص در حومه شهر «پیتزفیلد ماساچوست» است و در آن نوجوانان با کار کردن یاد می‌گیرند، رسمی وجود دارد. رسم مذکور حاکی از آن است که خود نوجوانان بار تعیین قوانین را بدوش کشیده و زندگی کردن با آن‌ها را بر عهده بگیرند. اگرچه چند بزرگسال در محوطه دانشگاه حضور دارند، اکثریت نوجوانان هستند. در یکی از روزهای تابستان گروه گرد هم جمع شدند تا موضوع ساعت خاموشی را مورد بررسی قرار دهند. بحث کوتاهی در مورد زمان خاموشی صورت گرفت تا این‌که سرانجام ساعت ۱۰:۳۰ شب پیشنهاد شد. چرا؟ هریک از افراد در گروه

عملیاتی «شیکر» هر روز صبح چندین ساعت دربارهی یک پروژه و بعد از ظهر چندین ساعت در مورد پروژههای دیگر پژوهش می‌کنند. از آنجاییکه همه باید صبح زود از خواب بیدار شوند، هیچ‌کس نمی‌خواست تا دیروقت بیدار بماند. معدودی از نوجوانان در گروه عملیاتی «شیکر» سعی در **طفره رفتن** از قوانین دارند. زمانی که یکی از نوجوانان چنین کاری انجام می‌دهد، کل گروه دلیل این عمل بد را **بررسی** می‌کنند. هدف آن‌ها **اصلاح کردن** فرد متخلف است؛ اگرچه در روستای «شیکر» فرض بر این است جوانانی که مشغول کار هستند وقتی برای سرپیچی از قوانین ندارند.

LESSON 6

1. approach

/ə'prəʊtʃ/

n.

این اثر متعلق به "استاد امیر رضایی" میباشد. تمام

وویس ها و کالوکیشن ها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی به ثبت رسیده است. هرگونه کپی برداری و نشر این

مجموعه شرعا حرام بوده و پیگرد قانونی دارد.

2. detect

/dɪ'tekt/

v.

www.amirrezaeeteeeee.com

Instagram: amirrezaeeteeeee

3. defect

/dɪ'fekt/

n.

4. employee

/emplɔɪ'i:/

n.

5. neglect

/nɪ'glekt/

v.

6. deceive

/dɪ'si:v/

v.

7. undoubtedly

/ʌn'daʊtədli/

adv.

8. popular

/'pɑ:pjələr/

این اثر متعلق به "استاد امیر رضایی" میباشد. تمام
وویس ها و کالوکیشن ها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی به ثبت رسیده است. هرگونه کپی برداری و نشر این
مجموعه شرعا حرام بوده و پیگرد قانونی دارد.

adj.

9. thorough

/'θʌrəʊ/

www.amirrezaeeeeeee.com
Instagram: amirrezaeeeeeee

adj.

10. client

/'klaɪənt/

n.

11. comprehensive

/,kɒmpri'hensɪv/

adj.

12.defraud

/dɪ'frɔ:d/

v.

1. social **approach** رویکرد اجتماعی
2. **detect** technique کشف کردن تکنیک
3. genetic **defect** نقص ژنتیکی
4. bank **employee** کارمند بانک
5. **neglect** nurse بی توجهی کردن به پرستار
6. **deceive** jury این اثر متعلق به "اسناد امن" فریب دادن هیئت منصفه
7. **undoubtedly** guilty بدون شک گناهکار
وویس ها و کالوکیشن ها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به ثبت رسیده است. هر گونه کپی برداری و نشر این
8. **popular** pop singer مجموعه شخص خواننده پاپ محبوب
9. **thorough** trust اعتماد کامل
10. **client's** rights حقوق موکل
11. **comprehensive** computer کامپیوتر کامل
12. **defraud** friend فریب دادن دوست

The Health of Your Car-

The newest **approach** to automobile repair is the clinic, a place where car doctors go over an automobile in an attempt to **detect defects**. Since the clinic does no repairs, its **employees** do not **neglect** the truth. So many automobile owners feel that mechanics **deceive** them that the clinics, even though they **undoubtedly** charge high fees, are quite

popular. The experts do a **thorough** job for each **client**. They explore* every part of the engine, body, and brakes; they do all kinds of tests with expensive* machines. Best of all, the **comprehensive** examination takes only about half an hour. With the clinic's report in your hand no mechanic will be able to **defraud** you by telling you that you need major repairs when only a small repair is necessary.

سلامت خودرو شما

جدیدترین روش برای تعمیر اتومبیل "کلینیک" است که در آن متخصصان اتومبیل سعی در **کشف عیوب** اتومبیل دارند. **کارمندان** این کلینیک در گفتن حقیقت به مشتریان **کوتاهی نمی‌کنند** زیرا کلینیک کارهای تعمیراتی انجام نمی‌دهد. گرچه این کلینیک بدون شک مبالغه‌ناگفتی طلب میکند، همواره بسیار **محبوب** است زیرا بسیاری از صاحبان اتومبیل‌ها حسی دارند که مکانیک‌ها آن‌ها را **فریب** می‌دهند. کارشناسان برای هر مشتری آزمایشی **کامل** صورت می‌دهند. آن‌ها نه تنها همهٔ قسمت‌های موتور، بدنه و ترمزها را بررسی می‌کنند بلکه انواع آزمایش‌ها را به وسیلهٔ دستگاه‌های گران‌قیمت انجام می‌دهند. بهتر از همه این است که معاینهٔ **کامل** فقط حدود ۳۰ دقیقه زمان می‌گیرد. با در دست داشتن گزارش کلینیک، هیچ مکانیکی نمی‌تواند با گفتن ماشین نیاز به تعمیر اساسی دارد آن هم زمانی که فقط تعمیری جزئی لازم است شما را **فریب** دهد

LESSON 7

1. postpone

/pəʊs'təʊn/

v.

2. consent

/kən'sent/

v.

3. massive

/'mæsiV/

adj.

4. capsule

/'kæpsju:l/

n.

5. preserve

/pri'zɜ:rv/

این اثر متعلق به "استاد امیر رضایی" میباشد. تمام
وویس ها و کالوکیشن ها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی به ثبت رسیده است. هرگونه کپی برداری و نشر این
مجموعه شرعا حرام بوده و پیگرد قانونی دارد.

v.

6. denounce

/di'naʊns/

www.amirrezaeeeeeee.com
Instagram: amirrezaeeeeeee

v.

7. unique

/ju:'ni:k/

adj.

8. torrent

/'tɒrənt/

n.

9. resent

/rɪ'zent/

v.

10.molest

/mə'lest/

v.

11.gloomy

/'glu:mi/

adj.

این اثر متعلق به "استاد امیر رضایی" میباشد. تمام

وویس ها و کالوکیشن ها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد

12.unforeseen

اسلامی به ثبت رسیده است. هرگونه کپی برداری و نشر این

مجموعه شرعا حرام بوده و پیگرد قانونی دارد.

/ʌn.fə'si:n/

adj.

www.amirrezaeeteeeee.com

Instagram: amirrezaeeteeeee

1. postpone flight به تاخیر انداختن پرواز

2. consent conference موافقت کردن با کنفرانس

3. massive muscles عضلات حجیم

4. gas capsule کپسول گاز

5. preserve environment حفاظت کردن از محیط زیست

6. denounce policies محکوم کردن سیاست ها

7. unique uniform یونیفرم منحصر به فرد

8. deadly torrent سیل کشنده

9. resent reasonably رنجیدن منطقی

10. molest mother آزار دادن مادر
11. gloomy girl دختر غمگین
12. unforeseen singer خواننده ی پیشبینی نشده

The Frozen Future

Doctors are always devising* new cures for diseases that kill people. But suppose you are dying from an incurable illness now. If only you could **postpone** death until a cure was found! Now some people are trying to do just that. One young man **consented** to having his body frozen and placed in a **massive capsule** in order to **preserve** it until doctors find a cure for his disease. Some people have **denounced** this **unique** experiment with a **torrent** of angry words. They **resent** human attempts to **molest** the natural order of life and death. There is also a **gloomy** fear that the world is already overcrowded and that people have to die to make room for those who are about to be born. If the experiment works, **unforeseen** problems undoubtedly* will arise.

آینده یخ زده

پزشکان همواره در حال کشف درمان های جدید برای بیماری هایی هستند که مردم را می کشد. تصور کنید به دلیل یک بیماری نا علاج مرگتان نزدیک است. آیا قادرید تا زمانی که درمان پیدا شود مرگ را **عقب بیندازید**؟ تعدادی از مردم اکنون دقیقاً در حال انجام چنین کاری هستند. مرد جوانی **پذیرفت** که بدنش را منجمد و در **اتاقک بزرگی** قرار دهند تا وقتی که پزشکان درمانی برای بیماری اش پیدا کنند. تعدادی از مردم این آزمایش **منحصر به فرد** را با **سیلی** از لغات خصم آمیز **محکوم** کردند. آن ها از تلاش های بشر برای

مختل کردن نظام طبیعی زندگی و مرگ نگران شدند. چنین ترس مایوس‌کننده‌ای وجود دارد که جهان بیش از حد از انسان‌ها اشباع شده است و این‌که مردم باید بمیرند تا جا برای افرادی که در شرف تولد هستند باز شود. اگر آزمایش مذکور عمل کند بدون شک مشکلات پیش‌بینی‌نشده‌ای پدیدار خواهد شد.

LESSON 8

1. exaggerate

/ɪɡˈzædʒəreɪt/

v.

2. amateur

/ˈæmətʃər/

adj.

این اثر متعلق به "استاد امیر رضایی" میباشد. تمام
وویس‌ها و کالوکیشن‌ها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی به ثبت رسیده است. هرگونه کپی برداری و نشر این
مجموعه شرعا حرام بوده و پیگرد قانونی دارد.

3. mediocre

/ˌmiːdiəʊkər/

adj.

www.amirrezaeetee.com
Instagram: amirrezaeetee

4. variety

/vəˈraɪəti/

n.

5. valid

/ˈvælɪd/

adj.

6. survive

/sər'vaɪv/

v.

7. weird

/waɪrd/

adj.

8. prominent

/'prəminənt/

adj.

9. security

/sə'kjʊr.ə.ti/

این اثر متعلق به "استاد امیر رضایی" میباشد. تمام
وویس ها و کالوکیشن ها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی به ثبت رسیده است. هرگونه کپی برداری و نشر این
مجموعه شرعا حرام بوده و پیگرد قانونی دارد.

n.

10. bulky

/'bʌlki/

adj.

11. reluctant

/rɪ'lʌktənt/

adj.

12. obvious

/'ɑ:bviəs/

www.amirrezaeeeeeee.com

Instagram: amirrezaeeeeeee

adj

1. **exaggerate** love اغراق کردن در عشق
2. **amateur** musician نوازنده تازه کار
3. **mediocre** medicine داروی معمولی
4. food **variety** تنوع غذایی
5. **valid** password رمز عبور معتبر
6. **survive** with serum زنده ماندن با سرم
7. **weird** bird پرنده عجیب
8. **prominent** promise تعهد مهم
9. international **security** امنیت بین المللی
10. **bulky** ball توپ بزرگ
11. **reluctant** relationship رابطه ی بدون رغبت
12. **obvious** object شیء معلوم

The Guitar

www.amirrezaeaaaaa.com

Instagram: amirrezaeaaaaa

It is impossible to **exaggerate** the popularity* of the guitar. One out of every four **amateur** musicians in the United States plays the guitar. Even a **mediocre** player can produce a **variety** of music with this unique* instrument. Trying to find **valid** reasons for the guitar's ability to **survive** through the years isn't hard. One **weird** theory* by a **prominent** musician states that guitarists find **security** hiding behind the **bulky** instrument. But most people are **reluctant** to accept this idea because there are more **obvious** reasons for playing a guitar. It can be carried anywhere, it is inexpensive* to buy, and only a few lessons are required to learn to play it well.

گیتار

محبوبیت گیتار قابل اغراق نیست. لازم به ذکر است از هر چهار موسیقی‌دان تازه‌کار در ایالات متحده یکی از آنان گیتار می‌نوازد. حتی نوازنده‌ای متوسط می‌تواند طیف متنوعی از موسیقی را با این ابزار خاص تولید کند. یافتن دلایل قابل استناد برای این قدرت ماندگاری گیتار در پس سال‌ها کار ساده‌ای است. نظریه‌ای عجیب از سوی موسیقی‌دانی برجسته بیان می‌کند نوازندگان گیتار با پنهان شدن پشت این ابزار موسیقی بزرگ، احساس امنیت می‌کنند. اما اکثر مردم به پذیرفتن این فرضیه رغبتی ندارند زیرا دلایل واضح بیشتری برای نواختن گیتار وجود دارد. می‌توان آن را به همه‌جا برد، گران نیست و فقط چند جلسه برای یادگیری خوب نواختن آن کافیهست.

LESSON 9

این اثر متعلق به "استاد امیر رضایی" میباشد. تمام

وویس ها و کالوکیشن ها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی به ثبت رسیده است. هرگونه کپی برداری و نشر این

مجموعه شرعا حرام بوده و پیگرد قانونی دارد.

1. vicinity

/və'sɪnəti/

n.

www.amirrezaeetttttt.com

Instagram: amirrezaeetttttt

2. century

/'sentʃəri/

n.

3. rage

/reɪdʒ/

v.

4. valid

/'dʌkjəmənt/

adj.

5. conclude

/kən'klu:d/

v.

6. undeniable

/ˌʌndɪ'naɪəbəl/

adj.

7. resist

/rɪ'zɪst/

این اثر متعلق به "استاد امیر رضایی" میباشد. تمام

وویس ها و کالوکیشن ها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد

v.

اسلامی به ثبت رسیده است. هرگونه کپی برداری و نشر این

مجموعه شرعا حرام بوده و پیگرد قانونی دارد.

8. lack

/læk/

www.amirrezaeeteeeee.com

n.

Instagram: amirrezaeeteeeee

9. ignore

/ɪg'nɔ:r/

v.

10. challenge

/'tʃæləndʒ/

n.

11. miniature

/ˈminiətʃər/

adj.

12.source

/sɔ:rs/

n.

1. city vicinity مجاورت شهر
2. The 21st century قرن بیست و یکم
3. rage at cage خشمگین شدن در قفس
4. valid documents اسناد معتبر
5. conclude concert این اثر متعلق به "استاد تمام کردن کنسرت"
6. undeniable fact حقایق غیر قابل انکار
7. resist sister مقاومت کردن در برابر خواهر
8. lack of water کمبود آب
9. ignore normality بی توجهی کردن به عادی بودن
10. ice water challenge چالش آب یخ
11. miniature germs میکروب های کوچک
12. source of energy منبع انرژی

More about the Guitar

The guitar is one of the oldest instruments known to man. It probably originated in the **vicinity** of China. There were guitars in ancient Egypt and Greece as well, but the written history of the guitar starts in Spain

in the 13th **century**. By 1500 the guitar was popular in Italy, France, and Spain. A French **document** of that time **concludes** that many people were playing the guitar. Stradivarius, the **undeniable** king of violin makers, could not **resist** creating a variety* of guitars. Also, there was no **lack** of music written for the instrument. Haydn, Schubert, and others wrote guitar music. When the great Beethoven was asked to compose music for the guitar, he went into a **rage** and refused, but eventually even Beethoven could not **ignore** the **challenge**; legend tells us he finally called the guitar a **miniature** orchestra. Indeed, the guitar does sound like a little orchestra! Perhaps that is why in rural* areas around the world the guitar has been a **source** of music for millions to enjoy.

این اثر متعلق به "استاد امیر رضایی" میباشد. تمام

وویس ها و کالوکیشن ها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی به ثبت رسیده است. هرگونه کپی برداری و نشر این

مجموعه شرعاً حرام بوده و پیگرد قانونی دارد.

مباحث بیشتر دربارهٔ گیتار

گیتار یکی از قدیمی ترین سازهای شناخته شده از سوی انسان است و احتمالاً پیدایش این ساز در **حوالی چین** بوده است. گیتار در مصر باستان و یونان نیز وجود داشته است، اما تاریخ مکتوب در مورد گیتار در اسپانیا از **قرن سیزده** میلادی شروع می شود. تا سال ۱۵۰۰ گیتار در اسپانیا محبوب بود به علاوه **مدرکی** فرانسوی از آن زمان **حاکمی** از آن است که بسیاری از مردم گیتار می نواختند. «استرا دیواریوس» "سلطان **غیرقابل انکار** ویولون" نتوانست در مقابل ساخت طیفی از گیتار **مقاومت** کند شایان ذکر اینکه **کمبود** نت موسیقی نوشته شده برای این ساز نیز وجود نداشت و ضمناً «هایدن»، «شوبرت» و نیز افراد دیگر با گیتار آهنگ هایی ساختند. «بتھون» بزرگ **مخالفت** کرد زمانی که از او درخواست شد برای گیتار آهنگ بسازد اما سرانجام حتی او نیز نتوانست **چالش** مورد نظر را در **نادیده** بگیرد لازم به ذکر است روایت به ما می گوید او سرانجام گیتار را یک ارکستر **کوچک** نامید. همانا گیتار صدایی همچون ارکستری کوچک دارد و شاید به این دلیل است که در مناطق روستایی سرتاسر جهان گیتار **منشأ** موسیقی برای لذت بردن میلیون ها انسان بوده است.

LESSON 10

1. excel

/ɪk'sel/

v.

2. feminine

/'femənən/

adj.

3. mount

/maʊnt/

v.

این اثر متعلق به "استاد امیر رضایی" میباشد. تمام
وویس ها و کالوکیشن ها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی به ثبت رسیده است. هرگونه کپی برداری و نشر این
مجموعه شرعا حرام بوده و پیگرد قانونی دارد.

4. compete

/kəm'pi:t/

v.

www.amirrezaeaaaaa.com
Instagram: amirrezaeaaaaa

5. dread

/dred/

n.

6. masculine

/'mæskjʊlən/

adj.

7. menace

/ˈmenəs/

n.

8. tendency

/ˈtendənsi/

n.

9. underestimate

/ʌndərˈestimeɪt/

v.

این اثر متعلق به "استاد امیر رضایی" میباشد. تمام

وویس ها و کالوکیشن ها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی به ثبت رسیده است. هرگونه کپی برداری و نشر این

مجموعه شرعا حرام بوده و پیگرد قانونی دارد.

10. victorious

/vɪkˈtɔːriəs/

adj.

www.amirrezaeetee.com

11. numerous

Instagram: amirrezaeetee

/ˈnuːmərəs/

adj.

12. flexible

/ˈfleksɪbl/

adj.

1. excel at chess بهتر بودن در شطرنج

2. **feminine** festival جشنواره زنانه
3. **mount** tower بالا رفتن از برج
4. **compete** for company رقابت کردن برای شرکت
5. **dread** of dark ترس از تاریکی
6. **masculine** coat کت مردانه
7. **menace** message پیام تهدید
8. fatness **tendency** میل به چاقی
9. **underestimate** understanding دست کم گرفتن شعور
10. **victorious** Victoria ویکتوریای پیروز
11. **numerous** numbers اعداد بی شمار
12. **flexible** flower گل قابل انعطاف

این اثر متعلق به "استاد امیر رضایی" میباشد. تمام

Bet on the Blond وویس ها و کالوکیشن ها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به ثبت رسیده است. هرگونه کپی برداری و نشر این مجموعه شرعا حرام بوده و پیگرد قانونی دارد.

Can women **excel** as jockeys in big-time horse racing? Years ago the **feminine** touch was kept out of racing, but now at tracks all over the country women **mount** horses and **compete** with men, many of whom **dread** the whole idea. Their **masculine** image, they feel, may be threatened.* Also, some offer the **weak** argument that females are a **menace** on the track. But, as we all know, we should resist* the **tendency to underestimate** the power of women. A few female jockeys have been **victorious in numerous** races, and this is probably what has put the male jockeys in a rage.* It would be wise if the men were more **flexible** in their attitudes toward women athletes.

شرطبندی روی موطلایی‌ها

آیا خانم‌ها می‌توانند در مسابقات اسب‌سواری مانند اسب‌سواران حرفه‌ای پیروز شوند؟ سال‌ها پیش حضور زنان در مسابقات ممنوع بود، اما امروزه در میدان‌های تمام کشورها بانوان سوار بر اسب‌ها می‌شوند و با مردان رقابت می‌کنند. بسیاری از مردان از این موضوع می‌هراسند و احساس می‌کنند تصویر مردانه آن‌ها ممکن است مورد تردید واقع شود. برخی از مردان نیز دیدگاه کم‌طرفداری را بیان می‌کنند که خانم‌ها تهدیدی در میادین به حساب می‌آیند، اما همان‌طور که همه می‌دانیم باید در مقابل تمایل به دست‌کم گرفتن توانایی خانم‌ها مقاومت کنیم. تعدادی از سوارکاران حرفه‌ای زن در بسیاری از مسابقات پیروز شده‌اند و این امر احتمالاً سوارکاران مرد حرفه‌ای را خشمگین کرده است. عقلانی است که مردان در نگرش‌شان به بانوان ورزشکار انعطاف‌پذیری بیشتری داشته باشند.

این اثر متعلق به "استاد امیر رضایی" میباشد. تمام
وویس‌ها و کالوکیشن‌ها توسط وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی به ثبت رسیده است. هرگونه کپی برداری و نشر این
مجموعه شرعاً حرام بوده و پیگرد قانونی دارد.

www.amirrezaeetee.com

Instagram: amirrezaeetee